

تحلیل شخصیت نظامی در آیینیهی نقد روانشناختی

رحیمه صفرزاده^۱

چکیده

نظامی گنجوی مثنوی سرای توانای قرن ششم هجری است (هـ-۶۰۵ - ۵۳۶). با توجه به اطلاعات غنی که در زمینه های حکمی، دینی، پزشکی، جغرافیایی، تاریخی و فلسفی و ... دارد، در کانون توجه عالمان و ادیبان روزگار خود و ما بعد قرار گرفته است. شخصیت نظامی با توجه به عارف بودن، حکیم بودن، پزشک بودن و ... از مبهماتی است که ذهن هر صاحب ادبی را به خود متوجه می‌سازد. پیداست که «شخصیت» از موضوعات علم روانشناسی است و پرداختن به آن در گرو آشنایی با علم روانشناسی می‌باشد. از آنجا که موضوع علم روانشناسی رفتار و فرآیندهای روانی است و اینکه چه فرآیندهای روانی و چگونه این فرآیندها در رفتار شخص تأثیر می‌گذارند سعی نگارنده در این جستار بر آن است از چشم انداز علم روانشناسی به بررسی شخصیت نظامی در پرتو مکانیسم‌های دفاعی، چون: فرافکنی، درون فکنی، همانندسازی، انکار، دلیل تراشی، بازگشت یا سیرقه‌قرایی، خودشیفتگی، حقارت و خیالبافی که برای توصیف و تبیین رفتار شخص بر آن-ها تأکید می‌شود، بپردازد.

واژگان کلیدی: نظامی، نقد روانشناختی، شخصیت، مکانیسم‌های دفاعی، هویت

مقدمه

حکیم جمال الدین ابومحمدالیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجه‌یی (هـ-۶۰۵ - ۵۳۶) از شاعران بزرگ قرن ششم و از ارکان شعر فارسی به شمار می‌رود. «عوفی او را «الحکیم الکامل نظامی الگنجه» نوشته.» (صفا، ۱۳۶۹ : ۷۹۸). وی از مثنوی‌سرایان به نام قرن ششم به شمار می‌رود که مثنوی پنج گنج وی نمودار هنر وی و از عوامل اصلی شهرت وی می‌باشد. آثار وی از بهترین و ماندگارترین آثار در ادب فارسی و در اوج بلاغت قرار می‌گیرند که در عین سادگی دیرپاب هستند و یک خواننده معمولی به راحتی نمی‌تواند به درک اشعارش بپردازد چراکه درک مفاهیم اشعارش درگرو مطالعه عمیق در علم بلاغت و بیان می‌باشد. خود نظامی چنین بیان داشته است: «شعر باید دیرپاب و بلند و دشوار باشد، به همین سبب شاعر باید دیر پسند باشد و به محض اینکه چیزی به ذهن او خطور کرد دست به کاغذ و قلم نبرد بلکه در الفاظ و معانی باریک شود تا شعر به عالی‌ترین نحو ممکن درآید.» (ثروت، ۱۳۷۲ : ۳۴۴). شیوه ای که وی در بیان اشعارش به کار می‌برد غریب و نادر است که این سبب زیبایی و تازگی زبان و اندیشه‌اش می‌شود:

شیوه غریب است مشو نامجیب گر بنوازش نباشد غریب

(مخزن الاسرار ، ۱۳۸۷ : ۲۳۰)

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی rs.safarzadeh@yahoo.com

«در شاعری شیوه او غریب است. او از این شیوه برای رهایی از ابتدال عصر و محیط خویش، بهره جسته است. او به پرواز می‌اندیشید؛ پرواز بر سر انسان‌هایی که از جهل و فساد و دنیای آنها فاصله گرفته بود.» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۱)

حشمت و بزرگی نظامی: ۱- زبان زیبا و تأثیرگذار او و دانش و بیان هنرمندانه‌ی وی، «نظامی از آن رو که زبانی زنده را در مثنوی معمول ساخت ارجی بزرگ دارد.» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۳۸۸) ۲- وی در داستان سرایی شیوه‌ی جدیدی را پایه گذاری کرد که سزاوار آن است که گفته شود در فن خود بی‌همتا و بی‌نظیر است (حمیدی، ۱۳۷۱: ۵۲۳). چنانکه امتیاز بزرگ نظامی در داستان سرایی وی است وی داستان غنایی را به قلّه رفیعی رساند و تا پایان قرن ششم توانست شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند (ثروت، ۱۳۷۸: ۴۸). ۳- «نظامی گنجوی بیشترین شهرت خود را به پنج مثنوی و یا خمسه خویش مدیون است: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر یا بهرامنامه و اسکندرنامه.» (موریس و دیگران، ۱۳۸۰: ۶۳) که اسکندر نامه وی به دو قسمت تقسیم می‌شود: شرفنامه، اقبالنامه.

نظامی همچون طراح و نقاشی افکار خود را در آیینه آثارش به نقش درآورده و شخصیت خود را در لابه لای آثارش به خوانندگان معرفی می‌کند. از آنجایی که امتیاز نظامی در «داستان‌سرایی» است؛ داستان‌هایی که نظامی می‌آفریند و شخصیت‌هایی که خلق می‌کند در واقع آنها شخصیت‌های درونی خود نظامی هستند که در قالب نظم و در کالبد یک شخص مجازی بیان می‌شوند. نظامی با خلق خمسه، گویی کتاب شخصیت خود را خلق کرده است بنابراین برای شناخت عمیق شخصیت وی باید مثنوی‌های پنج گنج وی را کاوید. هر شاعر و نویسنده‌ای و یا هر شخص عادی دفتر یادداشتی دارد که معلومات و خاطرات و... خود را در آن یادداشت می‌کند. دفتر یادداشت نظامی، خمسه وی است که تمام اطلاعات و معلومات خود از پزشکی، عرفان، اخلاق، شرع و... را در آنها نوشته که با مراجعه به آنها وی را می‌توان پزشک، عارف، فیلسوف و معلم اخلاق عصر خود دانست. «قطعاً نظامی گنجه‌ای یکی از شخصیت‌های بارز تاریخ معرفت بشری است که حقایق فراوانی را در عالم علم و معرفت در قالب هنر شعری بسیار والا در اختیار مغزهای بشری قرار داده است.» (جعفری، ۱۳۷۰: ۷۸).

هدف از این جستار تحلیل شخصیت نظامی از پرتو علم روانشناسی در بیشه زار اشعارش می‌باشد. نظامی هم مانند هر شاعر و نویسنده‌ای آنچه در افکارش جریان دارد به رشته قلم می‌کشد و همچون طراحی عمل می‌کند که مقدمات کار را در ذهن طرح ریزی کرده و آنرا در تابلوی نقاشی به طرح درمی‌آورد؛ تابلوی نقاشی شاعران دیوان اشعار آنهاست که با دقت و تأمل در آنها به افکار و اخلاق و به طور کلی به شخصیت آنها می‌توان پی برد.

نقد روانشناختی

هر آثاری را می‌توان شکافت و به نهفته‌های آن پی‌برد؛ این کار توسط نقادان صورت می‌گیرد. پی بردن به اخلاق و رفتار و به طور کلی شخصیت هر نویسنده و شاعری در گرو نقد اثر وی در پرتو علم روانشناسی است که به عنوان «نقد روانشناختی» در ادبیات مطرح می‌شود. «نقد روانشناسانه با طرح مطالبی در باب ناخودآگاه شخصی و جمعی، صور مثالی و امثال این در آثار ادبی، به نقد ادبی عمق و نوعی جنبه‌ی پیشگویانه و راز آمیز بخشیده است. اگر ادبیات جزو علوم انسانی است به یک اعتبار به سبب آن است که محصول ذهن آدمی است و چه علمی برای مطالعه ذهن آدمی و فرآورده‌های آن شایسته است از روان شناسی؟» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۱۷). با توجه به اینکه ادبیات محصول ذهن آدمی است، الفاظی که بر روی کاغذ آورده می‌شود ناشی از ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه شخص است و این ذهن خودآگاه و ناخودآگاه به ساختار

شخصیت فرد (بحثی در علم روان شناسی) برمیگردد، بدین طریق می توان به رابطه بین ادبیات و روانشناسی پی برد و از گذرگاه علم روان شناسی به مؤلفه های شخصی فرد دست یافت. «نقد روانشناسانه گرایش های مختلفی دارد مثلاً گاهی به مطالعه آفریننده اثر هنری می پردازد و گاهی به مطالعه خود اثر توجه دارد و گاهی تأثیر اثر ادبی را بحث می کند. بدیهی است که آنچه در ادبیات از همه مهمتر است مطالعه خود اثر است.» (همان : ۲۱۸) در این جستار نیز سعی نگارنده بر آن است که با مطالعه خود اثر به نقد اثر بپردازد.

شخصیت

به کمک شخصیت و تبیین آن به صورت علمی می توان رفتارهای انسان را تحلیل و تبیین نمود. «کلمه شخصیت که برابر معادل کلمه Personality انگلیسی یا Personalite فرانسه است در حقیقت از ریشه لاتین Persona گرفته شده که به معنی نقاب یا ماسکی بود که در یونان یا روم قدیم بازیگران تماشا بر چهره می گذاشتند.» (کریمی، ۱۳۷۴: ۵). همچنین «شخصیت به معنای عام آن، آنچه را که در رفتار فرد دائمی و پایدار است تعیین می نماید.» (دوچ و م. کراوس، ۱۳۷۴: ۱۹۳). «شخصیت مجموعه ای از خصوصیات جسمانی و روانی است که تعیین کننده ی رفتار، فکر و اعمال ما می شود و در نتیجه باعث می شود که فردی از فرد دیگر متمایز شود.» (فراهانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۵) شخصیت تحت تأثیر عواملی تغییر و تحول می یابد. به عقیده روانشناسان شکل گیری شخصیت به دو صورت است: ۱- ارثی ۲- در ارتباط با محیط، هر انسانی با شخصیت خاصی به دنیا می آید اما این محیط است که سبب ظهور قابلیت های شخصیت یک فرد می شود و در تغییر و تحول فرد نقش بسزایی دارد. (کریمی، ۱۳۷۴: ۲۰) از نظر فروید ساختار شخصیت انسان سه وجه مشخص دارد:

الف) نهاد^۱، «از کلیه نیروهای فشارهای درونی که نیاز به تخلیه فوری دارند، تشکیل شده و تابع اصل لذت است و به طور ناخواه عمل می کند و زیر سلطه سازمان «فرایند ابتدایی» یعنی سازمان حافظه و تفکر که به صورت فشار درونی درمی آید و با ناکامیها یا ناکامیاییها در ارتباط است.» (دوچ و م. کراوس، ۱۳۷۴، ۱۵۱)، در واقع «نهاد نظام اساسی شخصیت انسان را تشکیل می دهد.» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۶: ۲۹۳)

ب) من^۲ یا خود، «از نظر فروید من یک مرکز تنظیم کننده ی سازش هوشیار است. ادراک، هوش و زمینه ی حرکتی در آن سهیم اند. آنچه می تواند هشیار شود به من تعلق دارد.» (لی، ۱۳۶۸: ۸۲). من یا خود تابع اصل واقعیت است؛ یعنی، از یکسو به ارضای خواسته ها و تمایلات همت می گمارد و از سوی دیگر، این ارضا را در چهارچوب مقررات و ضوابط قابل قبول اجتماعی تحقق می بخشد. (کریمی، ۱۳۷۴: ۶۶). بنابر نظریه های روانشناسی، نهاد که تابع اصل لذت است، ذاتی و فطری می باشد و با انسان به دنیا می آید اما «من» یا «خود» که تابع اصل واقعیت است، اکتسابی است و آدمی در برخورد با محیط و افراد دیگر آن را بدست می آورد.

ج) من برتر یا فراخود^۳، این مکانیسم آخرین نظام شخصیت و نقطه ی مقابل نهاد است. این وجه از شخصیت در نظریه فروید معادل با وجدان اخلاقی و عبارت است از ایده آل های انسانی و اخلاقی و حربه ی کنترل سانسور شخصیت

^۱ - Id
^۲ - ego
^۳ - superego

می‌باشد این مکانیسم را که می‌توان بازوی اخلاقی شخصیت به حساب آورد به کمال توجه دارد نه لذت و خوشی. (کریمی، ۱۳۷۴: ۶۷)

و اینک نمونه‌ای رویکرد این مکانیسم‌ها در شعر نظامی که تحلیل آن چنین است: سخن گفتن ذاتی و فطری است ← مکانیسم «نهاد»، سخن گفتن در قالب شعر ← مکانیسم «من»، نپسندیدن کلمات و قالب شعری ساده (کمای جویی وی در شعر و شاعری) ← مکانیسم «من برتر» یا «فراخود»

چون تک اندیشه به گرمی رسد تندروی چرخ به نرمی رسد
هر چه در این پرده نشانت دهند گر نپسندی به از آنت دهند
سینه مکن گر گهر آری بدست بهتر از آن جوی که در سینه هست
به که سخن دیر پسند آوری تا سخن از دست بلند آوری

دانشگاه زنجان
۱۳-۱۵ شهریور ۹۲ (مخزن الاسرار، ۱۳۸۷: ۲۴۶)

پس چنین می‌توان گفت که نهاد، خواست ذاتی و فطری هر انسان است مثل، پرخاشگری که «من» این خواست را به واقعیت تبدیل می‌کند مثلاً در قالب ورزشهای بدنی یا سخن گفتن که نظامی آن را در قالب شعر به واقعیت تبدیل می‌کند. «فراخود» مخالف با این خواست‌های «من» و «نهاد» است و آنها را برای رسیدن به کمال مطلوب محدود و محروم می‌سازد.

مکانیسم‌های دفاعی

روان شناسان برای توصیف و تبیین رفتار بر مکانیسم‌های دفاعی تأکید می‌کنند، «مکانیسم‌های دفاعی قسمتی از «خود» هستند اما از جنس «خود» که تعقلی و منطقی است ساخته نشده اند، بلکه مایه احساسی، عاطفی و مجازی دارند و عمدتاً ناخودآگاه هستند.» (شاملو، ۱۳۸۶: ۸۷). مکانیسم‌های دفاعی اکتسابی هستند و هدف از به کارگیری آنها رفع اضطراب و مقابله با بر هم خوردن تعادل «من» می‌باشد. (آزاد، ۱۳۷۴: ۱۲۰)

در نظریه‌ی فروید _ روان شناس و روان پزشک نامدار اتریشی _ خود برای حفظ شخصیت، به ابزارهایی مجهز است که به آن مکانیسم‌های دفاعی گویند. این مکانیسم‌ها شیوه‌های ناخودآگاه و غیر ارادی برای کاهش اضطراب و نوعی خود فریبی هستند که به مسخ واقعیت می‌پردازند و روش‌های غیرمعقول و نامناسب‌اند. طبق نظریه فروید مکانیسم‌های دفاعی عبارتند از: واپس‌زنی، جابه‌جایی، والایش یا تصعید، برون‌فکنی یا فرافکنی، درون‌فکنی، همانندسازی، بازگشت یا سیرقه‌قرایی، تثبیت، انکار، دلیل تراشی، تبدیل یا هیستری، جبران. (کریمی، ۱۳۷۴: ۷۱ - ۷۴)

بازتاب مکانیسم‌های دفاعی در آیین‌های پنج گنج

۱- برون فکنی یا فرافکنی^۱

«این مکانیسم شامل نسبت دادن آرزوها، تمایلات، انگیزه‌ها و خصایلی که از سوی فرد ناپسند تلقی می‌شود، به دیگران است.» (کریمی، ۱۳۷۴: ۷۲). «این مکانیسم اغلب با هنری دوگانه همراه است؛ اضطراب را با جایگزینی خطری کمتر به جای خطری بزرگتر کاهش می‌دهد و به انسان فرافکن قدرت می‌دهد تا تکانشهایش را به صورت دفاع از خود در برابر دشمنیها، آشکار کند.» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۶: ۳۱۱). در این مکانیسم فرد به دنبال آن است که صفات ناپسند خود را به دیگری نسبت دهد و در حقیقت برای این صفات خود توجیهی بیان کند به جای آنکه به رفع آنها بپردازد. نظامی با آوردن بیت زیر خود را از بدی کردن تبرئه می‌کند و آن را به دیگران نسبت می‌دهد و دیگری را خطاب داده او را سرزنش می‌کند به او پند و اندرز می‌دهد که جواب بدی، بدی است:

چو بد کردی مباش ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات

(خسرو و شیرین، ۱۳۸۵: ۳۶۷)

۲- درون فکنی^۲

این مکانیسم دفاعی حالتی است که شخص خوبیها یا موقعیت‌های دیگران را به خود نسبت داده و آنها را از خود می‌داند (کریمی، ۱۳۷۴: ۷۲). برخی از روان‌شناسان درون فکنی را مترادف با همانندسازی گرفته‌اند و تنها تفاوت آنها را در این دانسته‌اند که: «گاهی برای توجیه جنبه درونی ساختن عوامل بیرونی، تنها از اصطلاح درون فکنی استفاده می‌شود، و به نتیجه نهایی و غایی درون فکنی همانندسازی می‌گویند» (شاملو، ۱۳۸۶: ۹۱). «انگیزه درونی کردن یک اعتقاد خاص، مبتنی بر این تمایل است که فرد می‌خواهد رفتار و افکارش درست و صحیح باشند» (ارونسون، ۱۳۸۶: ۲). نظامی در بیت زیر شهرت و وجود دیگر شاعران را از خود می‌داند و بیان می‌کند که این شاعران توسط من به این مقام دست یافته‌اند:

این بی نمکان که نان خوراند در سایه من جهان خوراند

(لیلی و مجنون، ۱۳۸۵: ۳۶)

نمونه‌های دیگر از این نوع:

که از هر سخن تراشم گلی بر آن گل زمن ناله چون بلبلی

(شرفنامه، ۱۳۸۶: ۳۵)

گر از من کوبی شمعی بر افروخت کس از من آفتابی در نیاموخت

که گر در راه خود یک ذره دیدم به صد دستش علم بالا کشیدم

و گر سنگی دهن در کاس من زد دری شد چون که در الماس من زد

(خسرو و شیرین، ۱۳۸۵: ۳۷۰)

¹ - projection

² - introjection

۳- همانند سازی

«در این مکانیسم، شخص ناآگاهانه خود را در قالب فرد دیگری قرار می‌دهد یا او را با خود یکی احساس می‌کند، اهمیت این مکانیسم در رشد «من» و «من برتر» است، زیرا وقتی شخص خود را با دیگری همانند احساس می‌کند، رفتارها و اعمال های او را نیز الگو و سرمشق قرار می‌دهد» (کریمی، ۱۳۷۴ : ۷۲). «همانند سازی، پاسخی به نفوذ اجتماعی است که ناشی از آرزوی شخص برای همانند شدن با شخص صاحب نفوذ است. در همانند سازی رفتار شخص ناشی از رضایت درونی نیست، بلکه به این منظور است که برای وی رابطه‌ای رضایت‌بخش با شخص یا اشخاصی که مایل است با آنها همانند شود، ایجاد کند.» (ارونسون، ۱۳۸۶ : ۲)

جلوه‌هایی از این نوع مکانیسم در آثار نظامی :

نظامی خود را همانند یوسف دانسته که از حسد و رشک حاسدان رهایی نمی‌یابد. و همچنین عیسی و احمد را در خوش دمی و شهرت سرمشق خود قرار داده است :

یوسف که ز ماه عقده می‌ست ۹۲ حقد برادران نمی رست
عیسی که در دمش نداشت دودی می برد جفای هر جهودی
احمد که سر آمد عرب بود هم خسته خار بولهب بود
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۵ : ۳۹)

به پیغمبری کوبم آنکه درش که خواند خدا نیز پیغمبرش
(شرفنامه، ۱۳۸۶ : ۴۳)

نظامی داوود را در خوش لحنی و خوش آوازی الگوی خود قرار می‌دهد و خود را همانند او فرض می‌کند و دیوانش را در حکم زبور بیان می‌کند :

به داوودی دلم را تازه گردان زبورم را بلند آوازه گردان
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۵ : ۳)

۴- انکار^۱

فرد در جریان این مکانیسم واقعیت‌ها و حقایق نامطلوب و اضطراب‌انگیز را منکر می‌شود. (کریمی، ۱۳۷۴ : ۷۳) ،
نظامی در بیت زیر چاره جویی خود را انکار می‌کند و آنرا به خدا واگذار می‌کند :

نه من چاره خویش دانم، نه کس تو دانی ، چنان کن که دانی و بس

(اقبالنامه، ۱۳۸۶ : ۵)

¹ - denial

وی همچنین قدرت خود را در برابر قدرت خداوند انکار می کند و از این طریق می خواهد اضطراب و ناراحتی ناشی از ناتوانی و نادانی خود را کاهش دهد :

ما که نظر بر سخن افکنده‌ایم مرده اویم و بدو زنده‌ایم

(مخزن الاسرار، ۱۳۸۷: ۲۳۸)

۵- دلیل تراشی^۱

انسان وقتیکه عملی را مرتکب می‌شود که ناپسند و غیرعقلانه است، سعی می‌کند برای عمل خود دلیل و توجیهی بیان کند به این کار «دلیل تراشی» یا «خود فریبی» می‌گویند که فرد در واقع با این کار خود را فریب می‌دهد و بر اشتباهات و ناتوانی‌های خود سرپوشی قرار می‌دهد. این مکانیسم که بیشترین کاربرد را در جامعه ما دارد مربوط به خودآگاه ذهن است چرا که دلیل آوردن آدمی از روی عقل و دانایی می‌باشد. مثلاً فروشنده متقلب کار خود را چنین توجیه می‌کند که خریدار ساده لوح بود و تقصیر کار خود را به خریدار حواله می‌دهد یا کسی که در رسیدن به هدف خود کامیاب نمی‌شود چنین توجیه می‌کند که شاید به صلاح او نبوده است و تقدیر به گونه‌ای دیگر بوده است. این مکانیسم را در ادبیات معادل با «حسن تعلیل» می‌توان گرفت، که یکی از مصراع‌ها به عنوان دلیل برای دیگری ذکر می‌شود. چنانکه نظامی برای عجز و ناتوانی عقل خود چنین دلیل آورده است :

در صنع تو کامد از عدد بیش عاجز شده عقل علت اندیش

(لیلی و مجنون، ۱۳۸۵: ۴)

وی همچنین برای اینکه مورد تعرض و خرده گیری سایرین قرار نگیرد، در آغاز کار خود بیان می‌کند که من در حد اطلاعات خود سخن می‌گویم و خود را نادان معرفی می‌کند:

در مرحله‌ای که ره ندانم پیداست که نکته چند رانم

(همان: ۲۴)

و در جای دیگر دیوان اشعار خود را با دیوان اشعار حکیم سنایی مقایسه می‌کند و برای کم بودن حجم اشعار خود چنین دلیل می‌آورد که کیفیت مضمون دیوان من (نظامی) بالاتر است:

آن بدر آورده ز غزنین علم وین زده بر سکه رومی رقم

گرچه در آن سکه سخن چون زر است سکه زر من از آن بهتر است

گر کم از آن شد بنه و بار من بهتر از آن است خریدار من

(مخزن الاسرار، ۱۳۸۷: ۲۳۰)

و اینک چند مثال دیگر که دلالت بر دلیل و توجیه نظامی بر اعمالش دلالت دارد:

¹ - rationalization

آن می که چو اشک من زلال است در مذهب عاشقان حلال است
در می به امید آن زخم چنگ تا بازگشاید این دل تنگ
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۵: ۴۲)

جز این هرچه در خارش آرد قلم سبک سنگی بد از بیش و کم
چو نظم گزارش بود راهگیر غلط کردن راه بود ناگزیر
(شرفنامه، ۱۳۸۶: ۵۸ - ۵۹)

۶- بازگشت یا سیر قهقرایی

کاربرد این مکانیسم زمانی است که شخص در موقعیتی دچار ناکامی‌ها و شکستها شود، در نتیجه از حقایق و واقعیت‌های تلخ فعلی عقب نشینی می‌کند و به موقعیتی باز می‌گردد که در آن راحت‌تر و کامیاب‌تر بوده است (کریمی، ۱۳۷۴: ۷۲). «مکانیسم بازگشت یعنی برگشت ناخودآگاه به مرحله روانی پایین‌تر از مرحله فعلی» (شاملو، ۱۳۸۶: ۹۱) نمونه‌هایی از این مکانیسم در شعر و اندیشه نظامی: «چاربالش» حالت نشستن شاهانه است، و نظامی ناکامی خود را در مقام بالا و بازگشت به موقعیت اولیه را بیان می‌کند که در آن موقعیت راحت‌تر و کامیاب‌تر است:

چو در چار بالش ندیدم درنگ نشستم در این چار دیوار تنگ
(شرفنامه، ۱۳۸۶: ۳۶)

وی در جای دیگر بیان می‌کند؛ کسی نمی‌تواند خاک گوینده را بیافریند و هیچ کس نمی‌تواند بر آب نقش ببندد، این را می‌توان ناکامی و شکست نظامی از مدح خداوند شمرد که وی را چنانکه هست نمی‌تواند مدح کند:

نه گوینده خاکی کس آرد بدست نه بر آب نقشی توان نیز بست
(اقبالنامه، ۱۳۸۶: ۴)

۷- علاوه بر موارد مذکور موارد دیگری نیز وجود دارد که در شکل‌گیری شخصیت آدمی تأثیر بسزایی دارد، کاربرد موارد زیر چنان بالا است که تبدیل به خصوصیت بارز یک شخص شده به طوری که شخص در جامعه با این خصوصیات تعریف می‌شود مثلاً فلانی خودشیفته است، فلانی خیال‌باف است یا فلانی حقیر است:

۷-۱- خودشیفتگی: خود شیفتگی که اکنون از خصوصیات بارز افراد به شمار می‌رود از موضوعات مورد بحث علم روان‌شناسی می‌باشد. این مکانیسم که بیشترین درصد کاربرد را در بین مکانیسم‌های مطرح شده به خود اختصاص می‌دهد با دروغ همراه می‌باشد. «آسان و بدون ناراحتی دروغ گفتن، مختص شخصیت خودشیفته است.» (لون، ۱۳۸۷: ۸۵). یک فرد خودشیفته تصویری که از خود ارائه می‌دهد در تناقض با واقعیت بیرونی است. این افراد خود را «منحصر به فرد» می‌پندارند و توانایی پذیرش انتقاد را ندارند، شعار آنها «این منم، منم، من!» می‌باشد. معیارهای تشخیصی برای اختلال شخصیت خودشیفته: خودبزرگ بینی، نیاز به مورد قبول واقع شدن، فردی متکبر که دوست دارند مورد حسادت دیگران واقع شوند و... که در این میان «احساس بزرگ منشانه» از اهمیت بیشتری برخوردار است. «خودشیفتگی در واقع خودنمایی

می‌باشد و این از نظر روانشناسان نشانه‌ای از «اختلال شخصیت هیستریانیک» می‌باشد.» (شاملو، ۱۳۸۶: ۲۴۳). این مکانیسم مربوط به بخش «من» یا «خودآگاه» ذهن انسان است.

این مکانیسم معادل با «مفاخره» از موضوعات ادبیات می‌باشد؛ مفاخره یا تفاخر شاعرانه یکی از صنایع معنوی و زیباشناسی ادبی محسوب می‌شود. «مفاخره از باب مفاعله به معنی نازیدن و بالیدن و سرافراز کردن است. خودستایی و مفاخره شاعرانه، حدیث نفس را به حماسه شخصی بدل می‌کند و شاعر طی آن، امتیازها و افتخارهای خود را به نوعی مبالغه آمیز بیان می‌کند.» (امین، ۱۳۸۸: ۳). «یکی از علل خودستایی و خودشیفتگی وجود معارضان و رقیبانی بوده است که می‌خواستند از شأن آنها بکاهند» (محمدی، ۱۳۸۹: ۸۱)

بازتاب مکانیسم «خودشیفتگی» یا به زبان ادبی «مفاخره» در آثار نظامی زیاد به چشم می‌خورد، که آن را از منظر علم روانشناسی می‌توان ناشی از احساس خود بزرگ بینی و تکبر دانست و از منظر علم ادبیات می‌توان چنین توجیه کرد که آن را به جهت زیبا جلوه دادن آثار خود به کار برده است. با تأمل در این بحث به خوبی می‌توان به رابطه‌ی بین روانشناسی و ادبیات پی برد.



گرفتم سر تیزهوشان ۱۳-منم
شهنشاه گوهر فروشان منم
همه خوشه چینند و من دانه کار همه خانه پرداز و من خانه دار
(شرفنامه، ۱۳۸۶: ۲۳)

نظامی که نظم دری کار اوست دری نظم کردن سزاوار اوست
(همان: ۴۴)

به نیروی تو چون پدید آمدم در گنج‌ها در کلید آمدم
(اقبالنامه، ۱۳۸۶: ۶)

طبع نظامی که به او چون گلست بر گل او نغز نوا بلبلست
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۷: ۱۹۳)

کسی کو بر نظامی می‌برد رشک نفس بی آه بیند، دیده بی اشک
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۵: ۳۷۰)

۲-۷- **حقارت**: عقده حقارت که سبب می‌شود فرد خود را از دیگران کهنتر بینگارد به نظر آدلر از عامل اصلی میل به پیشرفت و برتری ذاتی است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۲۵). چرا که آدمی به دنبال حقارت سعی می‌کند به جبران نقص‌های خود بپردازد.

نمونه‌هایی از درد حقارت در آثار نظامی:

من از امتان کمترین خاک تو بدین لاغری صید فتراک تو
(شرفنامه، ۱۳۸۶ : ۲۰)

ندارد فعل من آن زور و بازو که با عدل تو باشد همترازو
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۵ : ۹)

نظامی، چیست این گستاخ رویی که با دولت کنی گستاخ گویی
خداوندی که چون خاقان و فغفور به صد حاجت دری بوسندش از دور
چه عذر آری تو ای خاکباز از خاک دانشگاه زنجبار

(همان : ۱۵)

۱۳-۱۵ شهریور ۹۲

۳-۷- خیال بافی: این مکانیسم بسیار متداول است و تا حدودی همه‌ی افراد از آن استفاده می‌کنند. «ما به اصلی در خیال بافی، عواطف و خواسته‌های ما هستند که غیرمستقیم ارضا می‌شوند.» (شاملو، ۱۳۸۶ : ۹۲). «نظامی هنرمند و حکیم خیالباز گنجه، در بخشی از اقبالنامه، شکل خیالی کنایه و رمز را تا حد باور نکردنی پیش می‌برد و به قرینۀ صارفه تاریخ- که چنین امری حقیقت ندارد- و به دلایل عقلی، از اسکندر افسانه‌ای - نه تاریخی- نموداری برای پیغمبری می‌سازد که حاصل آرزوها و اعتقادات همه‌ی مردم کره‌ی زمین را در طول زندگی بشر با خود دارد.» (ثروتیان، ۱۳۷۶: ۴۲۳)

چنین گفت کافزون تر از کوه رود	جهان آفرینت رساند درود
برون زانکه داد او جهانبانیست	به پیغمبری داشت ارزانیست

(اقبالنامه، ۱۳۸۶ : ۱۱۲)

وی همچنین در عالم خیال سیر و سفر معنوی اسکندر را به پایان می‌رساند و پس از آن بدین بهانه، ربع مسکون جهان را به صورت کلی و مبهم معرفی می‌کند و با بیان مجموعه‌ای از فرهنگ فلسفه یونان و حکمت اندیشیده خود به آنچه می‌خواهد نزدیکتر می‌شود. (ثروتیان، ۱۳۷۶ : ۴۳۵)

چو طالع نمود آن بلند اختری که شد ساخته سدّ اسکندری
از آن مرحله سوی شهری شتافت که بسیار کس جست و او را نیافت
(اقبالنامه، ۱۳۸۶ : ۱۸۶)

و نمونه‌ای دیگر که نظامی در خیال خود خضر را دلدار خود می‌داند:

چو دلداری خضرم آمد به گوش دفاع مرا تازه گردید هوش
(شرفنامه، ۱۳۸۶ : ۴۲)

هویت و شخصیت

هویت ما معرف شخصیت ماست و ویژگیهای اصلی شخصیت (مکانیسم‌های دفاعی که ذکر آنها گذشت) نشانگر هویت فرد هستند. هویت در معنای ساده‌اش یعنی ویژگیهایی که متمایز کننده‌ی یک فرد از دیگری است. این ویژگیها شامل دین، زبان، نژاد، تاریخ، جغرافیا و ... هستند.

شخصیت یعنی آگاهی، خودآگاهی به هویت و هویت یعنی آگاهی، خودآگاهی به گذشته، به بیوگرافی، به ریشه‌ها، تبار، تعلق و خواستگاه فرهنگی. پس شخصیت ریشه در گذشته و رو به آینده دارد اما همیشه در زمان حال و نسبت به درجه آگاهی و خودآگاهی به هویت سنجیده می‌شود. هویت فرد مجموعه تمایزاتی است که باعث تمایز فرد از دیگری می‌شود تمایزاتی از جمله: نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات و ... (اکبری، ۱۳۸۴ : ۳۲۶). هویت فردی نظامی، اسم وی؛ «نظامی» است که بدان مشهور شده که باعث تمایز وی از سایرین شده است و همچنین دانش‌ها و علوم که بدان شهرت یافته است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که شخصیت و هویت تقریباً یکی هستند. ابیات زیر از خمسه‌ی نظامی دلالت بر هویت نظامی گنجوی (آگاهی وی از علوم زمان خود) دارد که بدان از دیگران تمایز یافته است:

نجوم:

در تخته هیکل رقومی خواندم همه نسخه نجومی

(لیلی و مجنون، ۱۳۸۵ : ۱۸)

هر چه هست از دقیق‌های نجوم با یکایک نهفته‌های علوم
خواندم و سر هر ورق جستم چون ترا یافتم ورق شستم

(هفت پیکر، ۱۳۹۱ : ۸۱)

حکمت:

ز حکمت بر آرایم آنکه سخن کنم تازه پارانجهای کهن

(شرفنامه، ۱۳۸۶ : ۱۷)

علم پزشکی و طب :

تشریح نهاد خود در آموز کاین معرفتی است خاطر افروز

پیغمبر گفت: علم علمان و علم الادیان و علم الابدان

در ناف دو علم بوی طیب است و آن هر دو فقیه یا طیب است

(لیلی و مجنون، ۱۳۸۵ : ۴۱)

وبا خیز از تری و آب و ابر که باشد نفس را گذرگه ستبر

(اقبالنامه، ۱۳۸۶ : ۱۷)

تاریخ:

ز هر نسخه برداشتم مایه‌ها بر و بستم از نظم پیرایه‌ها

زیادت ز تاریخهای نوی یهودی و نصرانی و پهلوی

(همان : ۵۴)

موسیقی:

سراینده ترک با چشم تنگ فرو هشته گیسو به گیسوی چنگ
 بسی ساز ابریشم از ناز او دریده بر ابریشم ساز او
 سخن‌های برسخته بر بانگ ساز تو گویی و او گوید از چنگ باز
 (اقبالنامه ، ۱۳۸۶ : ۱۶۵)

شریعت:

ملک طبیعت به سخن برده‌اند مهر شریعت بسخن کرده‌اند
 (مخزن الاسرار، ۱۳۸۷ : ۲۳۸)

هندسی:

فکند از هیئت نه حرف افلاک رقوم هندسی بر تخته خاک
 (خسرو و شیرین ، ۱۳۸۵ : ۵)

نقاشی:

«عشق و علاقه نظامی به نگارگری و نقاشی از قطعه‌ای پیداست که شاپور چهره خسرو را نقش می‌زند و او با دیدن
 چهره عاشق خسرو می‌شود. شاپور از هنرش می‌گوید: « (موریس و دیگران، ۱۳۸۰ : ۶۵)
 بجنید شخص کو را من کنم سر ببرد مرغ کو را من کنم پر
 (خسرو و شیرین ، ۱۳۸۵ : ۴۷)

خمسه نظامی؛ آینه تمام نمای شخصیت نظامی و معرف هویت اوست. زیرا وی در نوشتن پنج گنج خود، غیر از جذب-
 ی عشق و زهد، متوجه جلوه‌های گوناگون حیثیت و عظمت گوهر انسانی نیز بود. که همین باور در سرشت و سرنوشت نام
 آوران قصه هایش، اندیشه را خیره می‌کند و به او امکان می‌دهد؛ تا خود را برای جست و جوی آن چه می‌تواند آماده سازد.
 نظامی را همچنین می‌توان عارف عصر خود نامید: ابیات زیر به ریاضت‌گری، خدانشناسی نظامی و زهد وی دلالت دارد:

در این نیمشب کز تو جویم پناه به مهتاب فسلم بر افروز راه
 (شرفنامه، ۱۳۸۶ : ۸)

چهل روز خود را گرفتم زمام کادیم از چهل روز گردد تمام
 (همان : ۳۶)

من آن توسنم کز ریاضت‌گری رسیدم ز تندی به فرمانبری
 (اقبالنامه ، ۱۳۸۶ : ۱۰)

به هر گوشه کافتم، ثنا خوانمت قرار همه هست بر نیستی
 به هر جا که باشم، خدا دانمت تویی آنکه بر یک قرار ایستی
 (شرفنامه ، ۱۳۸۶ : ۹)

نظامی اکدشی خلوت نشین است که نیمی سرکه، نیمی انگبین است
 ز طبع تر گشاده چشمه نوش به زهد خشک بسته بار بر دوش
 دهان زهدم ار چه خشک خانی است لسان رطیم آب زندگانی است
 (خسرو و شیرین ، ۱۳۸۵ : ۲۱)

نتیجه گیری

روانشناسی، مطالعه علمی روش‌هایی است که طبق آنها افکار، احساسات و رفتارهای مردم مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد. از نظر فروید شخصیت انسان سه ساختار وجه مشخص دارد: نهاد، من یا خودآگاه، من برتر یا فراخود. روانشناسان برای تبیین و تحلیل رفتار، بر مکانیسم‌های دفاعی تکیه دارند این مکانیسم‌ها قسمتی از خود هستند. برای پی بردن به شخصیت نظامی به تحلیل آثار وی پرداختیم؛ زیرا در نقد روانشناسی نقادان برای این کار به مطالعه اثر می‌پردازند. در پرتو علم روانشناسی و مکانیسم‌های دفاعی چون: برون‌فکنی یا فرافکنی، درون‌فکنی، همانندسازی، انکار، دلیل تراشی، بازگشت یا سیرقهقرایی، خودشیفتگی، حقارت، خیال‌بافی می‌توان به فرآیندهای رفتاری که راهی برای تبیین و تحلیل شخصیت می‌باشد پی‌برد. تحلیل شخصیت نظامی نیز در پرتو این مکانیسم‌ها صورت می‌گیرد؛ چنانکه وی در جایی با استفاده از مکانیسم خودشیفتگی بیان می‌کند که در زبان دری سخنوری ماهر است و یا اینکه با استفاده از مکانیسم همانندسازی، خوش صدا بودن خودش را بیان می‌کند. و با استفاده از مکانیسم انکار به ناتواناییهای خود اعتراف می‌کند و... این مکانیسم‌ها (تحلیل‌گر شخصیت) در واقع هویت آدمی را می‌سازند که آدمی بدان از دیگران متمایز می‌شود. با اندکی تعمق برای هر یک از مکانیسم‌های دفاعی معادل ادبی می‌توان یافت؛ مثلاً، دلیل تراشی = حسن تعلیل، خودشیفتگی = مفاخره.

منابع:

- آزاد، حسین. (۱۳۷۴). آسیب شناسی روانی، تهران: انتشارات بعثت.
 ارونسون، الویت. (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی، مترجم: دکتر حسین شکرگن، به تلخیص: مهدی امین جعفری، چ اول.
 امین، احمد، منصور میرزانی و محمدرضا شاه کرمی. (۱۳۸۵). بایدها و نبایدهای شعر و شاعری در پنج گنج نظامی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۲ و ۱۳.
 امین، سید حسین. (۱۳۸۸). خودستایی و مفاخره در شعر پارسی، مجموعه مقالات: نشریه داخلی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، شماره ۶۴.
 پل شاریه، ژان. (۱۳۷۰). فروید: ناخودآگاه و روان‌کاوی، ترجمه و اقتباس دکتر سید علی محدث، چ اول، تهران: نشر نکته.

ثروتیان، بهروز. (۱۳۷۶). اندیشه‌های نظامی گنجوی، چ اول، تهران: انتشارات آیدین.
 جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۰). حکمت، عرفان و اخلاق در شعر نظامی گنجوی، تهران: کیهان.

حمیدی، مهدی. (۱۳۷۱). بهشت سخن، چ دوم، تهران: پازنگ.
دوچ مورتون و روبرت م. کراوس. (۱۳۷۴). نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی دکتر مرتضی کتبی، چ اول،
ش ۲۲۷۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ریپکا، یان. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ترجمه‌ی دکتر ابوالقاسم سّری، تهران: سخن.
زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). با کاروان حله: مجموعه نقد ادبی، چ نهم، تهران: انتشارات علمی.
زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). پیر گنجه در جست و جوی ناکجاآباد، چ سوم، تهران: سخن.
زنجانی، برات. (۱۳۸۷). احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
ساکت، سلمان. (۱۳۸۶). بررسی پاره‌ای از مسائل پزشکی در آثار نظامی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۴، شماره

۱۷.

شاملو، سعید. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی روانی، چ نهم، تهران: رشد.
شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). نقد ادبی، چ چهارم، تهران: فردوس.
صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران (از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم هجری)، چ دهم، تهران: فردوس.
صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). گنج و گنجینه، چ دوم، تهران: فردوس.
علی اکبری، م. (۱۳۸۴). هویت انسان، چ چهارم، تهران: انتشارات معارف.
فراهانی، محمد تقی و دیگران. (۱۳۸۵). روان‌شناسی، چ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
کریمی، یوسف. (۱۳۷۴). روان‌شناسی شخصیت، نشر ویرایش.
گنجینه حکمت در آثار نظامی. (۱۳۷۸). چ دوم، به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.
گنجینه گنجه‌ای (حکیم نظامی گنجه‌ای). (۱۳۷۸). چ چهارم، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به
کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: قطره.
لون، الکساندر. (۱۳۸۷). خودشیفتگی فردی خودشیفتگی اجتماعی، ترجمه‌ی اکبر باقری، چ اول، تهران: انتشارات
بازتاب.

لی، مای. (۱۳۶۸). شخصیت (ساخت، پدیدآیی و تحول)، ترجمه‌ی دکتر محمود منصور، شماره ۱، ۱۹۸۵، تهران:
انتشارات دانشگاه تهران.

مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی. (۱۳۷۲). ج ۱، به اهتمام و ویرایش دکتر
منصور ثروت، تبریز: دانشگاه تبریز.

محمدی، هاشم. (۱۳۸۹). خودشیفتگی شاعران پارسی تا قرن هشتم هجری، نامه پارسی، شماره ۵۳.
مکتبهای روانشناسی و نقد آن (۱)، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چ سوم، تهران: سمت.
موریس جرج و دیگران. (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز، ترجمه‌ی دکتر یعقوب آژند، چ اول، تهران: نشر
گستره.

نظامی گنجوی. (۱۳۸۵). خسرو و شیرین، به تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، چ اول، تهران: زوّار.
_____. (۱۳۸۵). لیلی و مجنون، به تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، چ اول، تهران: زوّار.
_____. (۱۳۸۶). شرفنامه، به تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، چ اول، تهران: زوّار.
_____. (۱۳۸۶). اقبالنامه، به تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، چ اول، تهران: زوّار.
_____. (۱۳۹۱). هفت پیکر، به تصحیح و شرح بهروز ثروتیان، چ سوم، تهران: امیرکبیر.